

کودکان و نوجوانان را بار باشیم نه بار

هدف از تعلیم و تربیت این نیست که بسان يك دستگاه کامپیوتر باکودکانمان برخورد نمائیم و آن چنان تصور نمائیم که باید از لام تا کام برنامه ای خاص و از پیش طراحی شده را در درون آنها پایه ریزی و مدون نمائیم...



هدف از تعلیم و تربیت این نیست که بسان يك دستگاه کامپیوتر باکودکانمان برخورد نمائیم و آن چنان تصور نمائیم که باید از لام تا کام برنامه ای خاص و از پیش طراحی شده را در درون آنها پایه ریزی و مدون نمائیم، بلکه کودک و نوجوان بر اصل و اساس خلقت دارای خلق و خویی الهی است و به استناد روایات و آیات، اشرف مخلوقات و موجودی است که در فطرت او خداجویی و حق طلبی مقرر گردیده و شمه ای از تمام صفات الهی توسط خالق در او به ودیعت نهاده شده، پس تربیت چه نقشی در این موجود پیچیده بازی می کند؟

اصولا تربیت بر پایه دادن اطلاعات صحیح و زدودن گرد و غبار فراموشی از زنگار وجودی انسان و پاسخ به سوالات درونی و فطری آدمی است و بعضی علماء و دانشمندان علوم تربیتی بر این اعتقادند که اگر آدمی را بدون هیچ آموزشی و بدون هیچ تأثیرپذیری از محیط و اشخاص رها نمایند، فطرت پاک او به سوی حق جویی و خداطلبی و خلقت بنیادی خویش سوق داده می شود. در اینجا اشاره به داستان موسی و شبان جناب مولوی در مثنوی اشاره بر این حقیقت وجودی انسان می باشد. موسی و شبان به خداجویی و حقیقت طلبی و وصول به اصل خویش هرکدام دست یافته اند. دو طالب که به مطلوب خویش توجه پیدا کرده و خدای جهان را با وجود خویش درک کرده اند، منتهی یکی تحت تعلیم فطرت درونی و وحی الهی و دیگری فقط تحت تعلیم فطرت درونی خویش، یکی با مربی درونی و هدایت های مستقیم الهی (وحی) و یکی فقط با استمداد از مربی درونی و در محیطی ساده و بی آلاینش و به دور از هرگونه تأثیرپذیری از افراد و اشخاصی که ممکن است این فطرت پاک و بی آلاینش را خدشه دار کنند و...

پس محیط سالم و عاری از ناهنجاری های تربیتی خود به خود مربی پرتوانی است. جهت نمودار ساختن صفات و خلقیات انسانی که از مبدا خلقت سرچشمه گرفته است، البته رعایت بعضی موارد یعنی توجه به رفتار و خورد و خوراک و توجه به اصل حرام و حلال که مقدمه انعقاد يك نطفه سالم و صالح می باشد از اصول قبل از تولد و در دوران رشد می باشد و رعایت آن الزامی است و ما در این مقوله قصد پرداختن به آن را نداریم.

به عبارتی دستکاری کردن در این فطرت پاک انسانی به صورت مستقیم و غیرمستقیم خود می تواند عوارض و ناهنجاری های اخلاقی و رفتاری را در کودکان و نوجوانان پدید آورد. موبد این مطلب پرسش ها و کنجکاوی هایی است که انسان در دوران کودکی از چیستی و چگونگی تولد و خلقت خویش و خالق جهان سنوال می کند و گاه به نسبت هوش و ذکاوت این سوالات پیچیده تر شده و بردانستن آن پافشاری می نماید و با افزایش سن و نزدیک شدن به سن جوانی پخته تر و هوشمندانه می گردد.

لذا انتقال اطلاعات صحیح و همسو با فطرت خدا نهاد که ریشه آن در هدایت انبیاء و اولیاء نمود دارد، خود ضمانتی است برای راهیابی به طرق صحیح تعلیم و تربیت و زمان شروع این مرحله از اوان دوران کودکی است که به تناسب سن تا دوران پختگی ادامه می یابد. باید توجه داشت که پاسخ به این گونه سوالات و آموزش ها با نهایت مهارت و در قالب داستان ها و کتاب ها و فیلم ها و گفت و گوهای هنرمندانه و دوستانه نه از باب نصیحت و ملامت منتقل گردد. امر و نهی های بی مورد و به صورت مستقیم و از روی عداوت و خشم، حتی ظاهری اعمال نگردد، در غیر این صورت تأثیری منفی در نهاد کودکان و نوجوانان می گذارد.

آماده سازی محیطی ایمن از انحرافات اخلاقی راهگشای این امر خطیر می باشد، ولی متأسفانه در جوامع فعلی و با بی دقتی بعضی اولیاء و اطرافیان، به محیطی ناامن مساعد برای تعرض در سرشت پاک کودکان مبدل گردیده و توسط عوامل مغرض خارجی و بعضاً سودجوی داخلی با نمایش برنامه ها، فیلم ها، بازی های کامپیوتری، ماهواره ها، اینترنت، لوح های فشرده مستهجن که گاه به راحتی در اختیار خانواده و فرزندان آنان قرار می گیرد، بی توجهی به آثار بسیار مخرب و خانمان سوز پایه های تربیتی، نهاد فرزندانمان را متزلزل و سست می سازد و در این میان تهی بودن دست ارباب تعلیم و تعلم مثل نهادهای فرهنگی، آموزش و پرورش، نهاد امور تربیتی و... را از ایزاری برای مقابله با این ترفندهای شیطانی، جهت مقابله به مثل کردن آنها در انجام امور محوله خلع سلاح کرده و یا کم توان می سازد و درصد موفقیت آنان را کاهش می دهد و هر آن چه در محیط مدارس و آموزشگاهی بافته می شود، تافته شده و ترفندها و روش ها بی رنگ و کم تأثیر می گردد. خانواده ها و او یا برای تأمین معاش و مایحتاج مادی فرزندان ساعت ها از عمر و توان خویش را صرف می نمایند تا غذای جسم، لباس و پوشاک مناسبی را تهیه و در اختیار آنان قرار دهند و تا حد امکان خود و فرزندانمان را بی نیاز و در راحتی نسبی قرار دهند، اما از اهمیت غذای روح آنان که از اصلی ترین مایحتاج انسان ها محسوب می گردد، غافل شده و یا بی تفاوت می شوند و حتی خود نیز عامل داس زدن به این معضل می گردند.

در این جا لازم است تا مقایسه ای میان این دو نیاز ضروری انسان، یعنی غذای روح و هم غذای جسم داشته باشیم تا بلکه اهمیت توجه بیشتر به خوراک معنوی فرزندانمان که از راه نگاه ها- شنیدن ها- گفت و گوها- مطالعه و ارتباط ها و... حاصل می

شود و در لایه های درونی آنها نشسته و شخصیت و آینده ایشان را رقم می زند، گوشزد نماییم. انسان هنگام خوردن غذا از تمام احساسات چندگانه خود در جهت تشخیص کیفیت غذا و لذت بردن از آن کمک می گیرد و اگر یکی از این حس ها خدشه ای در کیفیت آن را درک کنند به شخص هشدار داده و او را از خوردن آن منع می نمایند.

چشم با دیدن غذا اگر تغییر رنگ در آن مشاهده نماید، حس شاهد یا بویایی از تغییر بوی غذا و حس چشایی از تغییرات مزه و بعد از این که غذا بلعیده شود و این موانع نتوانند از بد بودن غذا و یا مسموم بودن آن شخص را آگاه سازند. اما اعضای گوارش اعم از مری، معده، روده ها و در کل تمام اعضای بدن نسبت به این مسمومیت عکس العمل نشان داده و از طریق شناخته شده برای اخطار و حتی دفع آن اقدام می نماید و در نهایت علائمی را بروز می دهند که شخص را وادار به مراجعه به پزشک و طی مراحل مداوا می کنند و این همه اسباب هشداردهنده در طبیعت جهت تضمین سلامت جسم انسان است که در او به ودیعت نهاده شده، ولی این سیستم پیچیده و هوشیار در مورد تشخیص کیفیت غذاهای معنوی و روح انسان وجود ندارد و بعد از خوردن غذاهای مسموم و بسیار مضر و به عبارتی ارتکاب گناهان، آثار بدو حتی کشنده آن نمود پیدا نمی کند و علائم اخطاردهنده مشابه به هیچ وجه بروز نمی کند و شخص مریض را نمی توان با علائم ظاهری شناسایی و مداوا نمود، حتی شخص از خوردن بیشتر این غذاهای مسموم، احساس لذت و نشاط کاذب خواهد نمود و آثار مخرب آن در رفتار و کردار فرد مسموم نمود خواهد کرد و تنها عامل بازدارنده آن عقل و وجدان اخلاقی انسان است که آن هم با تکرار عمل کم رنگ و بی اثر خواهد گردید و آثار مخرب این تغذیه مسموم تا سالها و بلکه تا آخر عمر بر جای خواهد ماند و به سختی و تلاش، شناخته و مداوا می گردد. در این جاست که دشواری تعلیم و تربیت انسان خود را آشکار کرده و ضرورت توجه بیشتر اولیا و مربیان به این بعد یعنی بعد پیشگیری از انحراف اخلاقی و مهیا کردن محیط سالم در خانه و مدرسه و اجتماع مشخص می گردد.

برنامه ریزی برای آماده سازی غذاهای سالم معنوی و بانشاط برای روح پاک و بی آلایش عزیزانمان مشهود می گردد. پایه ریزی سعادت و خوشبختی افراد از خانه و خانواده و پدر و مادر شروع می شود که مهمترین افراد و مؤثرترین آنها در هدایت و تربیت فرزندان می باشد. بی توجهی در این نقش با عنوان های موسوم به روشنفکری، ترقی، آزادی و تقلید کورکورانه از غرب باعث مخاطرات جبران ناپذیری به روح و جسم آنها و در نهایت زایل کننده سعادت دنیا و آخرت برای همه افراد جامعه را دربرخواهد داشت، پس در این راه فرزندانمان را یار باشیم نه بار.

حمید عباسی-روزنامه کیهان-شماره 18920